



قلیان‌های سلطانی، دیزی و کله‌پاچه همه نشانی از مردان دارند و مورد علاقه آنان است.

چایخانه‌ها، چت‌روم‌های سنتی

پیدایش شهرها کاربرد بسیار مهم دیگری نیز به چایخانه‌ها بخشید؛ چایخانه‌ها محل رد و بدل کردن اطلاعات خبرهای مملکتی و حتی گاه نقطه آغاز شورش‌های مردمی در شهرها شد. اگر اوقات فراغت نسل امروزی با چت‌روم‌های اینترنتی سر می‌شود، چایخانه‌ها نیز برای نسل پیش از ما چنین کاربردی داشتند. چایخانه‌ها هنوز هم نیست و نابود نشده‌اند، اما وجه سیاسی و تفریحی خود را به شدت از دست داده و به محلی برای صرف صبحانه، نهار و شام مسافران و رهگذران تغییر کاربری دادند.

بررسی زوایای مختلف چنین پدیده و مکانی می‌تواند کمک بسیاری در ایجاد آگاهی بیشتر نسبت به نحوه زندگی نیاکانمان باشد، اما در این میان حفظ و احیای چایخانه‌های قدیمی نیز یکی از وظایف مهم سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری است.

گنجی میان پیاده‌روهای پر از موش

چند ماه پیش نخستین چایخانه قدیمی و سنتی ایران به نام قهوه‌خانه آذری ثبت ملی شد. قهوه‌خانه آذری در پایین‌ترین نقطه خیابان ولیعصر، صد قدم مانده به میدان راه‌آهن قرار دارد. در این گوشه از خیابان ولی‌عصر که اطرافش را پیاده‌روهای کثیف پر از موش، جمعیتی مات و مبهوت و گاراژهای ماشین و مکانیکی فرا گرفته، اگر قدم به داخل نگذاری، وجود چنین گنجینه‌ای را تصور نمی‌کنی.

وقتی از سردر آبی کاشی‌کاری شده قهوه‌خانه آذری می‌گذری، نخستین نکته‌ای که توجهات را جلب می‌کند قل‌قل قلیان‌ها و صدای بالا و پایین رفتن آب در محفظه‌ای شیشه‌ای است، ورود ناگهانی از پیاده‌روی شلوغ و در میان انبوه فشرده صدای بوق

گزارشی از نخستین قهوه‌خانه ثبت ملی ایران

چای ۱۴۰ ساله با طعم نقالی

احمد امانی

دقیقاً مشخص نیست انسان از چه زمانی اوقات فراغت را در زندگی خویش یافت، اما واضح است که انسان با کشف آتش توانست بر سرما چیره شود و به جای کوچ کردن و یا بهتر بگوییم فرار از سرما، سکنی گزیند و با آتش چهار دیواری اختیاریش را گرم کند.

کرسی‌های گرم و نبود مشغله فراوان کشاورزی در زمستان آغازی برای مواجهه انسان با اوقات فراغت بود. سپس شب‌نشینی‌ها و بازی و شرط‌بندی متولد می‌شود. اما از آنجا که این همه خوشایند کانون خانواده، به‌ویژه بانوان نبود، مردان روستا ناچار به خلق مکانی برای گردهمایی شدند. محلی برای گذراندن اوقات فراغت و انجام بازی‌هایی چون شطرنج، دمنیو و صرف چای.

شاید همین‌گونه بود که قهوه‌خانه و یا بهتر بگوییم چایخانه‌های ایرانی متولد و در طول سالیان کامل و کاملتر شد. چایخانه‌ها، مکانی کاملاً مردانه بود و هنوز هم این‌گونه است، شاهنامه‌خوانی،

ماشین و کمپرسورهای شهرداری، سازمان آب و برق و هزاران شرکت شخصی (به اسم خصوصی) که در تمام سال همیشه یکی از آنها برای تولید صدا حضور دارد، تغییر فضایی غریب به وجود می‌آورد.

همین تغییر فضا و زمان چنان قدرتمند و به یکباره صورت می‌گیرد که اگر صدایی هم وارد شود شنیده نمی‌شود. به خصوص زمانی که هنگام ورود، یکی از هفت برادر خانواده آذری به استقبال و خوش آمدگویی بیاید. جالب اینکه بسیاری از چهره‌ها هنوز به هیبت همان مردان قدیمی است؛ موهای فرفری، صورتی سه‌تیغه شده با سیبل‌های دسته خرچنگی که لایه‌لای آنها دهنه قلیان سلطانی جا خوش کرده و مرد آرام و همراه یک زدن مداوم به قلیان به نقاشی شکارگاه بهرام گور می‌نگرد. اگر کسی چون من لم دادن در چنین مکانی را در ذهن خویش می‌پرورد این مرد نیز انگار آرزوی بودن در چنین شکارگاهی را در سر می‌پروراند.

بالای سر این مرد ردیفی از عکس‌های پهلوانان قدیمی قرار دارد، قدیمی‌ترین آنها «پهلوان یزدی» و «پهلوان اکبر خراسانی» است. ۲ پهلوانی که در دوره قاجار پهلوان اول شهر بودند، از عکس هم می‌توان فهمید پهلوان یزدی، لباسی ژنده و صورتی درویش مسلک دارد و پهلوان اکبر جوان که آداب و رسوم پهلوانی را به دربار برد لباسی نو به تن دارد. نخستین کشتی «پهلوان اول شهر» که شاه و درباریان به تماشای آن نشستند، زورآزمایی این ۲ پهلوان بوده. پهلوان یزدی پیر، میدان را به پهلوان اکبر می‌بازد و این باخت آغاز تغییر و تحول در نگاه و آداب پهلوانان ایرانی است و حال پهلوان اول شهر (پهلوان اکبر) بیشتر از آنکه مردمی باشد در دربار حضور می‌یابد.

اگر این ۲ پهلوانان نه چندان دور مردم ایرانند، رستم و سهراب و پهلوانی‌های شاهنامه، روایت‌های باستانی ایران زمینند که وقایع مهم آن توسط استادان سبک قهوه‌خانه‌ای «حسن اسماعیل زاده»، «احمد خلیلی» و «مرحوم همدانی» نقاشی شده و به دیوارهای قهوه‌خانه آذری آویزانند. تابلوی نبرد رستم و سهراب، رستم و اشکبوس، شکارگاه بهرام گور، از آتش عبور کردن سیاوش، نبرد رستم و دیو سفید، دیدار رستم و تهمینه، شکارگاه بهرام گور و تابلوی دیدار یوسف با زنان زلیخا از جمله تابلوهایی معروف قهوه‌خانه آذری‌اند.

قهوه‌خانه از ۶ صبح تا ۱۲ شب دایر است. تا ساعت هشت عصر مخصوص مردان و از هشت به بعد ویژه خانواده‌های تهرانی است. برای خانواده‌ها هر شب زیر نظر سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری موسیقی سنتی نواخته می‌شود و در این میان نقال قدیمی و سنتی نیز به روایت داستان‌های تابلوها می‌پردازد.

در این قهوه‌خانه قدیمی، میهمانان می‌توانند برای صبحانه تخم‌مرغ، کره‌عسل، چای شیرین، پنیر صرف کنند و نهار تنها دیزی و جوجه پخت می‌شود.

دیزی ۱۴۰ ساله

به گفته یکی از برادران آذری، از زمان ساخت این قهوه‌خانه که اکنون از عمر آن بیش از ۱۴۰ سال می‌گذرد تنها دیزی پخت می‌شد، اما جوجه نیز از سال ۱۳۷۲ به وعده‌ناهار اضافه شد. در حال حاضر ۲ سرآشپز و ۱۲ شاگرد در تهیه و سرو غذا کمک می‌کنند. هنوز هم دیزی‌های این قهوه‌خانه در میان مردم و مشتریانانش از اعتباری ویژه برخوردار است

و بازیگران، هنرمندان و سیاسیون بسیاری طرفدار دیزی این قهوه‌خانه‌اند. تا به حال رئیس‌جمهوری پیشین یونان، بسیاری از سفیران خارجی، سیدمحمد خاتمی، کرباسچی، جمشید مشایخی، اکبر زنجانی‌پور، پرویز پرستویی، رضا بابک و... به این قهوه‌خانه آمده و دیزی خورده‌اند. روزانه ۴۰۰ تا ۵۰۰ مشتری وارد این محیط سنتی می‌شوند.

سرآشپز دستور پخت دیزی خود را شرح می‌دهد؛ ۱۳۰ گرم گوشت بدون استخوان و در کنار دیزی یک سبب سبزی تازه، یک پیاله ماست، ترشی و یک پارچ دوغ ترش.

چاپخانه آذری ۲۸۰ متر و شامل سالن ورودی، حیاط، آشپزخانه و سرویس بهداشتی است.

دور تا دور حیاط میز چیده شده و غربی‌ترین نقطه حیاط تخت‌گاه قهوه‌خانه قرار دارد که جایگاه مردان بزرگ و پهلوان اول شهر بوده و در حال حاضر گروه موسیقی در این مکان مستقر هستند. جالب اینکه در زمان جام جهانی فوتبال، در قهوه‌خانه مسابقات به صورت زنده و با ویدئو پروژکشن پخش می‌شد.

سال ۱۳۷۲ و با پیشنهاد شهرداری وقت، بنا به صورتی جدی مرمت می‌شود و از آن زمان تا به امروز با چادر چرمی بزرگی روی حیاط نیز پوشیده شده است.

بعد از مرمت، قهوه‌خانه رونقی دوباره می‌یابد و بعد از دیدار هیأت جهانگرد اسپانیایی از قهوه‌خانه، مجموعه موفق به دریافت بهترین جایزه و نشان جشنواره صنعت توریسم اسپانیا در سال ۲۰۰۲ میلادی می‌شود، سال ۲۰۰۶ نیز به ثبت ملی می‌رسد.

